از شر شيطان رانده شده به خدا پناه مي برم
بنام خدا بخشنده مهربان

۱	خدا براي هيچ كس دو قلب قرار نداده است



در يک ليوان به اندازه مشخصي آب جا مي گيرد. يک ليوان ظرفيت مشخصي دارد. نمي توان يک بشكه آب را در يک ليوان جاي داد. وقتي كه ليوان پر شد ، ديگر چيز ديگري جا نمي گيرد . اگر در اين حالت آب توي ليوان بريزي ، سرريز مي شود و هدر مي رود. قلب آدمي هم مثل ليوان است و ظرفيت مشخصي دارد. نمي توان هم محبت خدا را در آن

ریخت و هم محبت دیگران را. خدا دو قلب براي انسان قرار نداده است. وقتي که قلبتان را به مسیح و یا محمد اختصاص مي دهید ، دیگر نمیتوان خدا را در آن ریخت. دیگر جایي براي خدا در قلب شما نمي ماند. زیرا قلب انسان طرفیت محدودي دارد. مسیحیان مسیح را در قلب خویش قرار داده اند. بنابراین جایي براي خدا نمانده است. مسلمانان قلب خویش را با نام محمد و سایر مقدسینشان پر کرده اند. جاي چنداني براي خدا نمانده است. زماني مي خواهند که محبت خدا را در آن بریزند که دیگر لیوان پر شده است. دیگر خدا در آن جاي نمي گیرد. دیگر دیر شده است. اگر قلب انسان با خدا پر شود ، دیگر جایي براي غیر خدا نمي ماند. در این حالت آدمي از دست شیطان نجات پیدا مي کند و شیطان نمیتواند به او نزدیک شود.

[2:165] با این حال، برخی از مردم معبودانی را همتای خدا قرار می دهند و به آنها چنان عشق می ورزند که گویی خدا هستند. کسانی که ایمان دارند بیش از هر کس، به خدا عشق می ورزند. اگر فقط ستمکاران می توانستند خود را هنگام روبرو شدن با عذاب ببینند، آنگاه متوجه می شدند که تمام قدرتها فقط متعلق به خداست و عذاب خدا هیبت انگیز است.

در یک لیوان نمي توان هم آب ریخت ، هم نفت ریخت. در این حالت قابل استفاده نیست. به همین دلیل اعمال مشرکین هیچ و بیفایده است.

[12:39] "ای هم سلولی های من، آیا خدایان متعدد بهترند یا خدای واحد، آن یگانه، بلندمرتبه؟

۲ راز مهم

انسان فراموشکار است. خیلي زود دانسته هاي خویش را از یاد مي برد. معمولا انسانهاي امروزي خیلي چیزها بلدند. یک فرد عادي مي تواند در مورد خوبي یک ساعت براي شما حرف بزند. اما باز همین فرد دنبال کارهاي بد مي رود!
معمولا ما از دیدن فلمهاي خوب لذت مي بریم. از خواندن کتابهاي انرژي بخش لذت مي بریم. از دیدن صحنه هاي دلخراش متنبه مي شویم. از شنیدن حوادث بد براي دیگران ، ناراحت مي شویم. از دیدن عکس بچه هاي گرسنه افریقایي احساس دلسوزي مي کنیم. اما همه این دلسوزیها و لذتها فقط چند لحظه است . فقط چند ساعت طول مي کشد. از دروغ

ودزدي و خيانت بدمان مي آيد ، اما ممكن است در طول شبانه روز به وفور آن را مرتكب مي شويم. نقطه ضعف انسان چيست كه نمي تواند رشد كند و در جا مي زند. چرا اين احساسهاي خوب در ما تاثير نمي گذارد. چرا كارهاي خوب ديگران ، بدبختيهاي ديگران ، رنج و شادي ديگران را مشاهده مي كنيم و نفس ما فقط يک ساعت احساس آرامش مي كند و دوباره به دنبال كارهاي بد مي رويم؟ مثل بچه خواب آلودي كه با صداي مادرش از خواب بيدار مي شود ، اما دوباره بعد از چند دقيقه به خواب مي رود.

اين مهمترين راز زندگي انسان است كه بايد هر فردي براي خودش حل كند. جواب سوال خيلي ساده است و در عين حال خيلي مهم است. ما از فيلمهاي آموزنده خوشمان مي آيد. هنرپيشه فيلم را الگوي خود قرار مي دهيم. اما اين فقط يک فيلم است. چرا ما نبايد چنين نقشي را در زندگي عملي خويش بازي كنيم! چرا فقط مي بينيم و مي خوانيم و تعجب مي كنيم. چرا عمل نمي كنيم؟ اگر از فيلم خوب خوشت مي آيد ، چرا خودت چنين نقشي را در زندگي خويش بازي نمي كنيد؟ اگر از كمک به فقرا خوشت مي آيد ، چرا خودت عملا كمک نمي كنيد؟ راز همين است. ما فقط مطالعه مي كنيم. فقط حرف مي زنيم ، فقط فيلم نگاه مي كنيم .

هيچوقت به دانسته هاي خويش عمل نمي كنيم. ايمان داريم اما عمل صالح نداريم. به همه خوبي ها ايمان داريم ، اما عملا انجام نمي دهيم. چنين ايماني زود از بين مي رود. چنين ايماني يعني در جا زدن. ايمان و عمل صالح لازم و ملزوم يكديگرند.

ايمان باعث ايجاد عمل صالح خواهد شد و عمل صالح هم باعث زياد شدن ايمان خواهد شد. اين دو لازم و ملزوم يكديگرند. يكي نباشد ، آن يكي هم از بين خواهد رفت. يک كوهنورد براي بالا رفتن از كوه ، ابتدا يک متر بالا مي رود ، بعد جاي خويش را با چكش محكم مي كند بعد دوباره يک متر ديگر بالا مي رود. هر متر ، كه بالا مي رود طناب خويش را با چكش محكم مي كند ، بعد قدم بعدي را بر مي دارد. اگر طناب خويش را را محكم نكند ، احتمال سقوط او حتمي است. ايمان يعني بالا رفتن از كوه و عمل صالح هم يعني طناب را به كوه وصل كردن. كساني كه ايمانشان را با عمل صالح عجين نكرده باشند ، وارد بهشت نخواهند شد. اين وعده خداي بزرگ است.

[6:158] آيا آنها منتظرند تا فرشتگان نزدشان بيايند، يا پروردگارت، يا برخی از نشان های فيزيکی پروردگارت تجلی کند؟ روزی که اين اتفاق

رخ دهد، دیگر هیچ نفسی از ایمان آوردن بهره ای نخواهد برد، چنانچه پیش از آن ایمان نیاورده و با اعمال پرهیزکارانه، منافع ایمان را کسب نکرده باشد.* بگو: "منتظر باشید؛ ما هم منتظریم."



۳ مردن

مردن دست خداست. بعضی مواقع نمردن ساده تر از مردن است. مردن سخت است زیرا در اختیار انسان نیست. انسانها نمی توانند مردن را انتخاب کنند. حتی نمی توانند روش مردن را انتخاب کنند. من کسی را می شناسم زیر چهل سال سن دارد و اقدام به خودکشی کرد اما نمرد. زیرا خدا مقدر نکرده بود. خدا مقدر نکرده بود که او زیر چهل سالگی بمیرد. خدا بالاتر از آن چیزی است که ما فکرش را می کنیم. خدا بر تمام جزئیات زندگی ما احاطه دارد. نه فقط احاطه علمی ، بلکه احاطه عملی و لحظه به لحظه. این باید جالب باشد. تنها خدا از چنین قدرتی برخوردار است. تصور چنین قدرتی باید وجود آدمی را به لرزه در آورد.

۴ شیطان هر آنچه که منع شده است را بهتر نشان مي دهد

هر آنچه که خدا نهی کرده است ، آدمی به انجام آن تشویق میشود. خدا به آدم و حوا گفت که از درخت ممنوعه نخورید ، اما آنها دقیقا از آن خوردند. خدا به تعداد بی نهایت چیزهای پاکیزه آفریده است ، اما انسانها

برای خوردن منع شده ها رغبت نشان می دهند. مشروب چیزی است که خدا آن را منع کرده است ، اما انسان به آن رغبت دارد. دلیل اصلی گرایش انسان به منع شده ها ، شیطان است. شیطان دشمن پروردگار است و دقیقا می خواهد که مردم به حرف خدا گوش ندهند. شیطان مردم را علیه خدا می شوراند. خیلی از مردم از عسل استفاده نمی کنند. اما اگر خدا عسل را منع می کرد ، خیلی از مردم دنیا روزانه عسل مصرف می کردند. این یعنی دشمنی با خدا. زیرا شیطان میخواهد که هر آن چه که خدا منع کرده است ، را ترویج دهد.

۵ دشمنی با شیطان دو طرفه است

دشمنی با شیطان دو طرفه است. شیطان دشمن ماست. ما هم باید دشمن او باشیم. اگر فقط به این اکتفا کنیم که شیطان دشمن ماست ، در نبرد موفق نخواهیم شد. بلکه باید ما هم دشمن او باشیم. دشمنی باید دو طرفه باشد. ما وقتی از خانه بیرون می رویم ، در خانه را قفل می کنیم تا دزد خانه را نزند. باید تمهیداتی در مقابله با شیطان انجام دهیم. باید خود و محیط خود را برای مقابله با شیطان آماده کنیم. ما نباید خود را در معرض حمله شیطان قرار دهیم. مثلا نباید در جلساتی شرکت کنیم که احتمال گمراهی

وجود دارد. ما باید در انتخاب فیلمهایی که نگاه می کنیم ، دقت کنیم. ما باید در انتخاب دوستهای صمیمی خویش دقت کنیم. ما باید در نقطه ضعفهای خویش ، راه ورود شیطان را ببندیم. آخرین گناهی که مرتکب شدید را بررسی کنید و ببینید که چه عاملی باعث شد تا به طرف آن کشیده شدید. از این به بعد نسبت به آن عامل محتاط باشید و مواظب حمله شیطان باشید.

دشمنی دو طرفه

انسان <--------------------------------> شیطان

[۳۵:۶] شیطان دشمن شماست، پس مانند یک دشمن با او رفتار کنید. او فقط حزب خود را دعوت می کند تا از ساکنان دوزخ باشند.

۶ دو اشتباه بزرگ در مورد گناه و جرم

۱- کسانی که مرتکب گناه میشوند فکر میکنند که دیگر خدا آنها را نمی پذیرد ، بنابراین به گناه خویش ادامه می دهند. این حیله خیلی بزرگ

شیطان است. بسیاری از انسانها به وسیله این استدلال شیطانی به جرم خویش همچنان ادامه می دهند.

[۳۹:۵۳] اعلام کن: "ای بندگان من که از حد گذشته اید، هرگز از رحمت خدا نومید نشوید، زیرا خدا همهٔ گناهان را می آمرزد. اوست عفوکننده، مهربان ترین."

۲- بسیاری از مردم برای پرهیز از گناه ، خیلی چیزها را بر خود حرام می کنند. این هم حیله شیطان است. خدا به ما دستور داده است که از حلالهای او استفاده کنیم. خدا بهتر از هرکس دیگری ما را می شناسد و او بیشتر به نهاد نفس ما آگاه است. پس یکی از سلاحهای مهم و قوی علیه شیطان استفاده از حلالهای خداست.

[۷:۳۱] ای فرزندان آدم، هنگامی که به مسجد می روید، تمیز باشید و لباس مرتب بپوشید، و در حد اعتدال بخورید و بیاشامید؛ مسلماً، او افراد پرخور را دوست ندارد.

[۳۰:۲۱] یکی از مدرک‌های او این است که برای شما از میان خودتان

همسرانی آفرید تا در کنار یکدیگر خرسندی و آسایش داشته باشید و او در قلب‌های شما نسبت به همسرانتان عشق و محبت قرار داد. در این، مدرکی است کافی برای مردمی که می اندیشند.

۷ عبرت

آدم عاقل دو بار از یک سوراخ گزیده نمی شود. ما انسانها هیچوقت از گذشته خویش درس عبرت نمی گیریم. "تنها خدا" شعار اصلی همه پیامبران بوده است. تمام پیامبران در طول تاریخ از جمله ابراهیم ، موسی ، عیسی ، محمد شعارشان "تنها خدا" بوده است. اما متاسفانه شیطان از طریق انسانها آن شعار را تغییر داد و به شعار "تنها پیامبر ما" تغییر داد. مسیحیان می گویند "فقط مسیح" . مسلمانان می گویند "محمد سید پیامبران است".

[۶:۱۶۲] بگو: "نماز من، اعمال عبادی من، زندگی من و مرگ من، همه مطلقاً به خدا اختصاص دارد، آن پروردگار عالم.

۸ از حدیث و سنت استفاده نکنید

شیطان غیر مستقیم حرفهایش را گسترش می دهد.. خدا تورات نازل می کند ، شیطان تالمود درست می کند. خدا قرآن نازل می کند ، شیطان حدیث و سنت درست می کند. شیطان ۵۰ -۵۰ حرفهایش را تنظیم می کند. همه احادیث وحی شده از طرف شیاطین غلط نیست. در میان احادیث غلط ، چند جمله درست هم قرار می دهد تا کسی شک نکند. به طور مثال به چند حدیث توجه کنید:

۱- پیامبر محمد سایه نداشت.

۲- دروغ آفت دین است.

۳- پیامبر محمد در روز قیامت امتش را شفاعت می کند.

در میان سه حدیث ذکر شده ، حدیث دومی معنای غلطی ندارد . زیرا شیطان بوسیله همین جمله درست ، مردم را به سمت کتب حدیث جذب می کند. بوسیله جمله دوم ، جملات یکم و سوم را گسترش می دهد. اگر جمله دوم را به کار نبرد ، کسی جملات دیگرش را باور نمی کند.

لطفا به آیات شیطانی که وارد سوره نه شده بود توجه نمائید.

حدیث ۹:۱۲۸

لقد جاء کم رسول من انفسکم عزیز علیه ماعنتم حریص علیکم بالمومنین رووف رحیم

حدیث ۹:۱۲۹

فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم

حدیث ۹:۱۲۹ معنای درست دارد. اما حدیث ۹:۱۲۸ میخواهد بگوید که پیامبر محمد از خدا رحیم تر است. به این طریق شیطان مثل یک موجود موذی عقایدش را گسترش می دهد. در واقع شیطان ۵۰ – ۵۰ کار می کند.

جالب اینجاست که جمله های ۹:۱۲۸ و ۹:۱۲۹ جمعا ۱۱۴ حرف دارند.

۶*۱۹=۱۱۴

خیلی از مسلمانان به این بهانه روی آورده اند که احادیث شیطانی را رد می کنند و احادیث صحیح را قبول می کنند. این استراتژی باز هم از تاکتیکهای شیطان است. چنین تفکری ناخواسته افرادی همچون بن لادن بوجود خواهد آورد. چنین تفکری فرقه گرائی را بوجود خواهد آورد. آیا یک کتاب با یک منبع بهتر است یا چندین کتاب با هزاران منبع؟ آیا خدایان متعدد بهترند یا خدای واحد؟

[۱۲:۳۹] "ای هم سلولی های من، آیا خدایان متعدد بهترند یا خدای واحد، آن یگانه، بلندمرتبه؟

شیطان از طریق مرده ها حرفهایش را گسترش می دهد. شیطان غیر مستقیم حرفهایش را گسترش می دهد. کتابهای حدیث و سنت زمانی درست شد که پیامبر محمد مرده بود. به همین خاطر محمد نمی توانست بگوید که این کتابها مال من نیست. او مرده بود و نمی توانست بگوید که فقط قرآن کتاب من است. شیطان از این فرصت استفاده کرد و کتاب حدیث و سنت را در کنار قرآن قرار داد. کتب حدیث و سنت بوجود آورنده گروههای افراطی و سلفی در میان مسلمانان است.

تاکتیک شیطان عقده های او را به نمایش می گذارد. شیطان فکر میکرد که او خدایی در کنار خدای یگانه است. او آرزو داشت که مثل پروردگار یکتا صاحب عرش شود. این مورد را میتوان در جمله ۹:۱۲۹ اضافه شده به قرآن مشاهده کرد:

فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش

العظيم

همانطور که میدانید در سوره کهف خدای مهربان به چند مورد جالب اشاره دارد یکی از آن نکات آیه زیر است:

[۱۸:۲۲] سیقولون ثلثة رابعهم کلبهم ویقولون خمسة سادسهم کلبهم رجما بالغیب ویقولون سبعة وثامنهم کلبهم قل ربی اعلم بعدتهم ما یعلمهم الا قلیل فلا تمار فیهم الا مراء ظهرا ولا تستفت فیهم منهم احدا

[۱۸:۲۲] بعضی می گویند: "آنها سه نفر بودند؛ سگشان چهارمین بود،" در حالی که برخی دیگر می گویند: "پنج نفر؛ ششمین آنها سگشان بود،" در حالی که حدس می زدند. بعضی گفتند: "هفت نفر" و هشتمین سگشان بود. بگو: "پروردگار من به تعداد آنها داناتر است." فقط عده کمی تعداد صحیح را می دانستند. بنابراین، با آنها مجادله نکن؛ فقط با آنها مدارا کن. احتیاجی نیست با کسی در این باره مشورت کنی.

گروه اول می گویند : "آنها سه نفر بودند؛ سگشان چهارمین بود،"

گروه دوم می گویند : "پنج نفر؛ ششمین آنها سگشان بود،"

گروه سوم می گویند : "هفت نفر" و هشتمین سگشان بود.

و ...

در ادامه خدا میفرماید اینها همه اش حدس و گمان است. بنابراین، با آنها مجادله نکن؛ فقط با آنها مدارا کن. احتیاجی نیست با کسی در این باره مشورت کنی.

آخرین خطبه پیامبر به سه صورت مختلف نقل شده است :

گروه اول : کتابی و عترتی

گروه دوم : کتابی و سنتی

گروه سوم : کتابی

حال شما تصور کنید آخرین خطبه پیامبر چرا باید به سه صورت مختلف نقل شود مگر نعوذ بالله پیامبر ضد و نقیض حرف میزده است.!!؟مگر پیامبر نباید پیامش را روشن ابلاغ دارد؟ بر طبق آیه ۱۸:۲۲ نباید به پیروان حدیث و سنت اعتماد کرد . زیرا اینان از شک و گمان پیروی میکنند. اینان فقط حدث میزنند . فقط به تعصبات مادرزادی خود خو گرفته اند. کسی که خود را مسلمان میداند نباید و احتیاجی نیست با کتب حدیث دین خود را روشن نماید.

۹	دست خدا بالای همه دستهاست

۶:۶۱

ان الله قاهر فوق عباده

دست خدا بالای همه دستهاست . او مافوق مخلوقات خویش است، کسی نمیتواند از خواست و اراده خدا فرار کند. کسی نمیتواند از عذاب خدا فرار کند. ژاپن در ساخت ساختمانهای مستحکم در جهان قدرت اول را دارند. ژاپنیها ساختمانهای مستحکمی در مقابله زلزله بنا کرده بودند. زلزله نتوانست ضرر زیادی به آنها برساند. اما سونامی بعد از زلزله را پیش بینی نکرده بودند. تمام عوامل طبیعت در دست خداست. همیشه خدا یک چیز بالاتر دارد. خدا نسبت به پیشرفته ترین تکنولوژی هم یک قدم جلوتر است. اگر ژاپن روزی ساختمانهای خویش را نسبت به سونامی هم مقاوم کند، خدا قدم بعدی بعد از سونامی را اجرا می کند. همیشه خدا یک حرف بیشتر برای گفتن دارد. خدا نیازی به عذابهاي خیلی پیشرفته ندارد. کشوری که ساختمانهای محکم ندارد، با زلزله ۶ ریشتر عذاب میشود. اما برای ژاپن ۸ ریشتر و متعاقبا سونامی اجرا میشود. گرد و خاک ناشی از بیابانهای عراق و سوریه تمام خاورمیانه را پر کرده است. مردم خاورمیانه تکنولوژی از بین بردنش را ندارند. دست خدا بالای همه دستهاست. خدا از نظر علمی بر همه حوادث جهان تسلط دارد. خدا می داند که برای چه قومی چه عذابی بفرستد. خدا نقطه ضعف همه ملتها را

دارد. هیچ کس نمی تواند از دست خدا فرار کند. افراد زیادی در جهان برای پیشگیری از بیماری و مرگ خویش ، تمهیدات زیادی انجام می دهند. اما خدا بر همه چیز احاطه دارد. خدا این افراد را از طریقی می میراند که خود فرد هیچوقت به ذهنش نمی رسد. خدا از همه نظر بر همه چیز احاطه کامل دارد. هر فرد و جامعه ای نقطه ضعفی دارد. خدا نقطه ضعف همه افراد و ملتها را دارد. در زمانهای قدیم بنایی ساختمانی درست می کند. او در این ساختمان یکی از آجرها را طوری قرار می دهد که با بیرون کشیدن این آجر ، کل ساختمان به هم می ریزد. این آجر نقطه ضعف ساختمان است. هر انسانی و هر جامعه ای نقطه ضعفی دارد. این نقطه ضعفها را فقط خدا می داند. هیچکس نقطه ضعف واقعی خویش را نمی داند. کسانی بوده اند که در پیشگیری از مرگ خویش ، اقدامات پر هزینه ای انجام می دهند ، اما آنها در تشخیص نقطه ضعف خویش اشتباه می کنند. زیرا فقط خداست که نقطه ضعفها را می داند. قذافی برای محافظت از خویش ، هزاران محافظ برای خویش تعیین کرده بود ، اما بیفایده بود. همه نقطه ضعفها نزد خداست. فقط خدا می تواند نقطه ضعفها را بردارد. شفای مریضیها فقط دست خداست ، زیرا فقط خدا مکان آجر نقطه ضعف را می داند و فقط او می داند که کجاست. خدا با جا انداختن و تعمیر آجر نقطه ضعف ، مریضیها را شفا می دهد. به همین

خاطر ما باید تمام دعاها و درخواستهای خویش را مطلقا به خدا اختصاص دهیم.

مرگ و زندگی دست خداست. فردی را میشناسم که ۲۳ سال سن داشت. او در این سن اقدام به خودکشی کرد ،اما در حادثه خودکشی فقط زخمی شد و نمرد. زیرا خدا تقدیر کرده بود که آن فرد زیر چهل سالگی نمیرد. زیرا اگر او زیر سن چهل می مرد ، مستقیم وارد بهشت می شد.اما خدا نگذاشت. مردن دست خود آدم نیست. مردن دست خداست. حتی اگر از ساختمان چهل طبقه هم خود را پایین بیندازد ، باز نمی میرد ، زیرا خدا مرگ او را تقدیر نزده است.

۱۰ بچه ها

تربیت بچه ها بسیار مهم است. بسیاری از کمبودها و نارسایی ها در دوران بزرگسالی ناشی از تربیت غلط دوران کودکی است. بسیاری از

کنجکاویهای جنسی در دوران جوانی و بزرگسالی ناشی از افراط و تفریط دوران بچگی است. خدای بزرگ آیه ای از قرآن را ذکر نموده است که محدوده و مرز فیلترینگ مسائل جنسی را برای بچه ها تعیین می کند. در خیلی موارد بچه های مدرسه ای وقت خویش را به کنجکاوی در مسائل جنسی اختصاص می دهند و همین مورد کل زندگی آینده شان را تحت تاثیر قرار می دهد.

در این آیه خدا به پدر و مادر دستور می دهد که بچه ها را از همان دوران بچگی طوری تربیت کنند که در سه مورد در شبانه روز در وارد شدن به اطاق والدین اجازه بگیرند. این اجازه گرفتن فواید زیادی دارد. از جمله این که تابوی مسائل جنسی برای کودک می شکند و دیگر همه چیز برای او معما نمی شود. دیگر کودک در سن بزرگسالی وقت خویش را با مسائل جنسی و کنجکاوی در مسائل جنسی هدر نمی دهد. در این آیه خدا به پدر و مادر دستور می دهد که بچه ها را از همان دوران بچگی طوری تربیت کنند که در سه مورد در شبانه روز در وارد شدن به اطاق والدین اجازه بگیرند.

[۲۴:۵۸] ای کسانی که ایمان آورده اید، خدمتکاران شما و فرزندانی که هنوز بالغ نشده‌اند، باید (پیش از ورود به اتاق شما) اجازه بگیرند. این عمل در سه موقع باید انجام شود- پیش از نماز فجر، هنگام ظهر که لباس خود را برای استراحت عوض می کنید و پس از نماز عشا. این سه نوبت، اوقات خصوصی شماست. در ساعات دیگر، هیچ گناهی بر شما یا بر آنها نیست که با هم باشید. خدا، این چنین آیات را برای شما روشن می کند. خداست دانای مطلق، حکیم‌ترین.

[۲۴:۵۹] هنگامی که بچه‌ها بالغ شوند، باید (پیش از ورود) اجازه بگیرند، مانند کسانی که پیش از آنها به سن بلوغ رسیدند، (پیش از ورود) اجازه گرفته‌اند. خدا این چنین آیاتش را برای شما روشن می کند. خداست دانای مطلق، حکیم‌ترین.

افراط و تفریط در این مورد آدمی را جری تر می کند. دقیقا باید مطابق با آیه مورد نظر باشد. دقیقا باید رفتار با بچه ها مطابق و در محدوده آیه

مورد نظر باشد. زیرا خدا ما را آفریده است و بهتر به نفس ما آگاه است. او خالق ماست.

۱۱ قوانین طبیعت

خدا میتواند قوانین طبیعت را به هم بزند. دخالت مستقیم خدا می تواند قوانین طبیعت را به هم زند. ابراهیم توسط پدرش به داخل آتش انداخته می شود. اما خدا مستقیم دخالت می کند و آتش به امر خدا سرد می شود. خدا برای بندگان خالص ، مستقیم دخالت می کند. در زمان نزدیکی قیامت خدا همراه با فرشتگان به آسمان یکم می آیند. از آن جا که آسمان یکم محل حضور شیاطین است. آسمان یکم نمی تواند حضور مستقیم خدا را تحمل کند. بنابراین تمام قوانین آسمان یکم به هم میخورد. خورشید انرژیش را از دست می دهد. زیرا قوانین منظومه شمسی در مقابل امر خدا نرم است. وقتی خدا در کمک به بندگانش دستور مستقیم صادر کند ، تمام قوانین طبیعت به هم میخورد. دو هزار نفر می تواند بر دویست نفر غلبه کند. زیرا خدا دخالت مستقیم می کند.

۱۲ سورپرایز

فرض کنید یک نفر خانواده اش را به مدت بیست سال ندیده است. حالا بعد از بیست سال آنها را پیدا می کند. در این لحظه خانواده او سورپرایز می شوند. برای آنها بسیار خوشحال کننده است. خانواده او شوکه میشوند. خدای مهربان چندین مثال در مورد سورپرایز را در قرآن ذکر نموده است. برای نمونه به چند مورد توجه نمائید.

[۱۲:۶۹] وَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ آوَىٰ إِلَيْهِ أَخَاهُ قَالَ إِنِّي أَنَا أَخُوكَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

[۱۲:۶۹] هنگامی که به جایگاه یوسف وارد شدند، او برادرش را نزدیک خود برد و گفت: "من برادر تو هستم؛ از اعمالشان غمگین نشو."

وقتی خدا بخواهد خبر سورپرایزکننده را در قرآن بیان کند از عبارت "انی انا" استفاده می کند. یوسف بعد از سالها برادرش را ندیده است. حالا

وقتی می خواهد خودش را به او معرفی کند، می گوید "انی انا اخوک" .

حالا به یک سورپرایز دیگر توجه کنید. این بار خدا انسانها را می خواهد سورپرایز کند. در آیه زیر خدا برای خودش از همان عبارت تاکید و سورپرایز (انی انا) استفاده می کند.

[۴۹:۱۵] نَبِّئْ عِبَادِی أنِّی أنَا الغَفُور الرحِیم

[۴۹:۱۵] بندگان مرا آگاه کن که من عفوکننده هستم، مهربان‌ترین.

چه کسی اهمیت سورپرایز در آیه بالایی را درک می کند؟ متاسفانه کسی از خبر بالا خوشحال نمی شود و حتی شوکه نمی شود. خدا عفو کننده و مهربان است. خدا همه گناهان را می بخشد. فقط کافی است که از او بخواهید.

خدا زمانی که با موسی حرف می زند ، با همان عبارت سورپرایز (انی انا) خود را به موسی معرفی می کند. تصور کنید که موسی در وادی مقدس طوی بعد از شنیدن خبر خدا چه حالی داشته است؟ خدا خودش را به موسی معرفی می کند. این اتفاق برای موسی چقدرهیجان انگیز بوده است؟

[۲۰:۱۲] إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى

[۲۰:۱۲] من پروردگار تو هستم؛ نعلین‌های خود را درآور. تو در وادی مقدس طوی هستی."

چرا آیه ۱۵:۴۹ به همان مقدار برای ما هیجان انگیز نباشد. خدا نسبت به بندگانش عفور و رحیم است. حتی بندگان غرق شده در گناه را برای توبه می پذیرد. این است خدای یگانه. به همین خاطر شایسته است که فقط باید خدای تنها را در دعاها خواند. از این دستور سرباز نزنید. تمام خوشبختی شما به این نکته وابسته است. کلید نجات شما در خواندن فقط خداست.

[۱۵:۴۹] نَبِّئْ عِبَادِی أنِّی أنَا الغَفُور الرحِیم
[۱۵:۴۹] بندگان مرا آگاه کن که من عفوکننده هستم، مهربان‌ترین.

در کل قرآن پنج بار عبارات "انی انا" استفاده شده است، در آیات زیر:

انی انا ربک در ۲۰:۱۲
انی انا الغفور الرحیم در ۱۵:۴۹
انی انا الله رب العلمین در ۲۸:۳۰

انی انا اخوک در ۱۲:۶۹
انی انا النذیر المبین در ۱۵:۸۹

جالب این است که پنج عبارت بالا دارای ۱۹ کلمه اند.

انسان فطرتا می خواهد خدای قدرتمند داشته باشد. او می خواهد که خدای او هر کاری بکند. چندین صفت خدا عبارتند از :

همه چیز را دیدن
صدای همه را شنیدن
در همه جا حاضر بودن
دعای همه انسانها را شنیدن
هر کس از او بخواهد نجات می یابد و ...

تمام انسانهایی که در طول زمان بت شده اند ، انسانهای ساده ای مثل بقیه افراد جامعه خویش بوده اند. اما بعد از مدتی مردم به آنها دل بستند. همین دلبستگی باعث تبدیل آنها به بت شده است. اما چون انسان فطرتا خدای قدرتمند می خواهد ، در طول زمان و یواش یواش صفات خدایی به این انسانهای بت شده داده شد. در طول زمان صفات خدایی به آنها داده شد. انسانها نسبت به خدای خویش متعصبند. محمد پیامبر و بنده خدا بود. اما بعد از مدتی ، به یک بت تبدیل شد. حالا مسلمانان در طول روز در پنج وعده نام محمد را در کنار نام خدا ذکر می کنند. لبیک یا محمد می گویند.

شرک بزرگترین ظلم است. در طول روز میلیونها ظلم نسبت به خدا انجام می پذیرد ، اما کسی چیزی نمی گوید ، کسی اعتراضی نمی کند.

[۳۱:۱۳] به یاد آور که لقمان در حالی که پسرش را اندرز می داد، گفت: "ای پسرم، هیچ معبودی را در کنار خدا قرار نده؛ شرک بی عدالتی بسیار بزرگی است."*

در روز صدها توهین نسبت به خدا صورت می گیرد. در کتابهای حدیث هزاران توهین نسبت به خدا انجام پذیرفته است ، کسی حرفی نمی زند.
چرا ؟ جواب این سوال خیلی ساده است. معمولا انسان نسبت به عزیزترینش بیشترین تعصب را نشان می دهد. از همین جا مشخص می شود که عزیزترین هر فردی چه کسی است. باید خدا را از هرکسی بیشتر دوست داشته باشیم. باید خدا جای اول را در قلب ما داشته باشد.

۱۴ اعتراف

اعتراف به گناه پیش نیاز توبه است. کسی که آنقدر مغرور باشد که نتواند اشتباهات و گناهان خویش را اعتراف کند ، نمیتواند توبه کند. انسان نباید

از نفس خویش دفاع کند. بلکه باید نفس خویش را بکشد. اعتراف یک گناهکار را در قرآن بشنوید.

[۱۲:۵۳] من ادعا نمی کنم که بی گناه هستم. نفس به بدی گرایش دارد، مگر کسانی که از رحمت پروردگارم برخوردار شده ا ند. پروردگار من عفوکننده است، مهربان ترین.

هیچ انسانی نباید ادعای بی گناهی و پاکی کند. فقط خدا پاک و نیکو است. حتی پیامبران هم گناه انجام داده اند. نفس اماره ارزش دفاع را ندارد. اعتراف همراه توبه چیزی است که مورد پسند خداست. خدا رحمان و رحیم است و در هر زمانی توبه بندگانش را قبول می کند.

۱۵ تضاد دروني

عده زیادی عبادت روزانه را انجام نمی دهند و یا اینکه به حالت کسلی انجام می دهند. زیرا انگیزه انجام نمازها را ندارند. آنها در درون خود به

این نتیجه رسیده اند که نماز برای آنها فایده ای ندارد. انجام هر نماز در طول روز بیشتر از یک دقیقه طول نمی کشد. پنج نماز جمعا پنج دقیقه طول می کشد. چرا باید انسان به حالتی دست یابد که انجام پنج دقیقه عبادت را برخود مشکل سازد.بسیاری از جوانان حالت کسلی و رکورد روانی دارند و انگیزه ای برای انجام نمازها ندارند. علت اصلی نماز نخواندن و یا سبک شمردن نمازها تضاد درونی است.تضاد درونی یعنی اینکه انسان مشغول گناهان دیگری است و آن گناهان را به عادت تبدیل کرده است. بنابراین به سمت شیطان گرایش دارد و به همین جهت انگیزه ای برای انجام نماز ندارد. آدم نمی تواند هم خدا را بپرستد هم بتهای دیگری در ذهن خویش درست کرده باشد.آدمی فطرتا فقط می تواند یک خدا داشته باشد. اگر فردی تابع هوی و هوس خویش باشد ، دیگر نمی تواند با خدا ارتباط برقرار کند. زیرا هوی و هوس را خدای خویش قرار داده است. در این تضاد درونی پیش می آید. از یک طرف می خواهد خدا را بپرستد و نماز بخواند. از طرف دیگر تابع هوی و هوس هم هست. جمع بین این دو متضاد غیر ممکن است. به همین خاطر انگیزه عبادت خدا را از دست خواهد داد و بعد از مدتری نماز را ترک می کند و یا این که نمازها را به حالت کسلی به جا می آورد.

۱۶ شياطين موجودات خيرخواهي نيستند

در نظر بگیرید که شما مقداری پول لازم دارید و پیش دو نفر می روید. یکی از آنها به شما می گوید که صبر کنید من دو ماه دیگر به تو می دهم. اما نفر دومی می گوید که فردا به تو پول را می دهم. فرد دومی دروغگو است. او فقط وعده دروغ می دهد. فرد دومی به هیچکدام از قولهایش عمل نمی کند. اما فرد اولی دقیق به قولش عمل می کند. کدامیک فرد خوبی است؟ اولی یا دومی؟ دومی به بهانه زود جور کردن پول ، تو را به خودش جذب می کند.

اکثر انسانها به فرد دوم گرایش دارند . فرد دومی همان شیطان است. شیطان در طول روز صدها وعده دروغ به مردم می دهد ، اما باز خیلی از مردم شیطان را انتخاب می کنند. شیطان با وعده های دروغین مردم را فریب می دهد. و به همین بهانه و کلک مردم را به خودش جذب می کند. انسان فراموشکار است و خیلی زود دوباره فریب شیطان را می خورد. روزی دهها بار جذب شیطان میشود. اگر دوست شما دو بار به شما دروغ بگوید ، دیگر هیچوقت روی حرفش حساب نمی کنید و از او آزرده می شوید. اما برای شیطان اینجوری نیست. شیطان دیده نمی شود.

خیلی از مردم زیاد در این مورد کنکاش نمی کنند. اما شیطان بزرگترین دشمن آدمی است. شیطان در روز دهها وعده دروغین به ما می دهد ، اما ما باز هم او را دشمن خود به حساب نمی آوریم. ما باید باور کنیم که موجودات نادیدنیی به نام شیاطین دشمنان سرسخت ما هستند. شیاطین فقط وعده دروغ می دهند. اگر براساس وسوسه شیاطین جرمی مرتکب شوید. شیطان در این حال شما را ول نمی کند بلکه می خواهد که شما را هم رسوا کند. بعد از رسوایی از شما پشتیبانی و حمایت نمی کند ، بلکه سعی دارد شما را به پای چوبه دار بکشاند. بعد از کشاندن به پای مرگ ، از شما حمایت نمی کند ، بلکه می خواهد در حالت مرگ ایمان شما را هم بگیرد. آیا چنین موجوداتی قابل اعتمادند؟ ما در طول روز صدها بار بوسیله این موجودات وسوسه میشویم. باید این واقعیت را بپذیریم که آنها دشمن مایند و ما هم باید دشمن آنها باشیم. انسان در حالت اغماء به سر می برد. انسانها بوسیله شیاطین مسخ و هیپنوتیزم شده اند. ما انسانها در حالت انتخاب به سر می بریم. ما در حال انتخاب خدا و یا شیطان به سر می بریم. باید مواظب باشید. در این راه همه چیزهایی که شما را از خدا دور می کند ، طرد و ترک کنید. روزی پیامبر سلیمان آنچنان جذب اسبهایش شده بود که خدا را از یاد برد. سلیمان برای جبران گناهش ، دیگر برای همیشه اسبها را ترک کرد. آن لذت را که او را از خدا دور

میکرد ، ترک کرد. ما باید راههای پیشنهادی شیطان را با قاطعیت و جدی ترک کنیم.

۱۷ مقدم شمردن دستورات خدا

دستورات خدا در عین سادگی ، بسیار مهم هستند. انجام آن بسیار مهم است. نماز برای یاد تنها خداست. نام هیچ کسی نباید در کنار نام خدا قرار گیرد. این دستور در عین سادگی بسیار پر اهمیت است. کسی به شما می گوید که به این جعبه برق دست نزنید. این نکته در عین سادگی بسیار مهم است. زیرا یکبار اشتباه خیلی گران تمام میشود. خدا ما را درست کرده است و او بهتر می داند که نقطه ضعف ما در مقابل شیطان چیست. به همین خاطر کلمات و دستورات خدا دقیقا راه حل مشکلهاست. باید به آن اعتماد کرد ، حتی اگر دلیل هم نداشته باشیم.
فرض کنید در تاریکی راه را گم کرده اید و یک فانوس هم دارید. برای پیدا کردن مسیر ، باید چراغ را پیش روی خود نگه دارید تا جلو پای خویش را ببینید. اگر چراغ را در پشت سر خویش نگهدارید ، نمی توانید راه را بیابید. چراغ در جلو همان مقدم شمردن دستورات و راهنماییهای

خداست. ما باید دستورات و کلمات خدا را بر هر دستور دیگری مقدم بداریم. اگر دستورات خدا را بر دستورات دیگر مقدم نداریم ، مثل این است که چراغ را در پشت سر خویش نگه داشته باشیم. در این حالت بدون این که خود بدانیم به طرف شیطان می رویم.به همین خاطر خدا می فرماید ای بندگان من به طرف من برگردید. یعنی دستورات من را الگوی خویش قرار دهید. یعنی چراغ را پشت سر خویش نگه ندارید ، بلکه در پیش روی خود نگه دارید.

[۸۹:۲۸] به سوی پروردگارت بازگرد، راضی و رضایت بخش.
[۳۹:۵۴] باید از پروردگارتان اطاعت کنیدو کاملاً به او تسلیم شوید، پیش از آنکه عذاب شما را در بر گیرد؛ سپس نمی توانید یاری شوید.
بعضی از مردم بدون این که خود بدانند ، به طرف شیطان می روند ، در حالی که فکرمی کنند دارند به طرف خدا می روند.
[۱۸:۱۰۴] آنها کسانی هستند که اعمالشان در این دنیاکاملاً در گمراهی است، اما فکر می کنند که خوب عمل می کنند.

۱۸ طرحهاي خدا بسيار دقيق است

خدا بسیار دقیق برنامه ریزی می کند. کارهای خدا بسیار دقیق است. خدا بسیار دقیق کارهایش را به نتیجه می رساند. همه عوامل و فاکتورها در اختیار خداست. خدا از بالا بر همه چیز احاطه دارد. براساس توصیه جادوگران ، فرعون دستور کشتن نوزادهای مذکر قوم بنی اسرائیل را صادر می کند. فرعون همه را می کشد بجز موسی را. این قدرت خداست. خدا بالاتر از فرعون است. خدا به مادر موسی وحی می کند و موسی داخل صندوقچه ای به رودخانه انداخته میشود. رودخانه به قصر فرعون می رود. موسی به قصر فرعون می رود. خانواده فرعون موسی را از آب می گیرند. در همه این وقایع خدا ناظر است و همه را می بیند. خدا نقطه ضعف فرعون را می داند. او نقطه ضعف همه را می داند. زن فرعون پیشنهاد می دهد که بچه در خانواده فرعون بزرگ شود و فرعون هم این پیشنهاد زنش را قبول می کند. به این ترتیب نقشه خدا به راحتی پیش می رود. به این ترتیب جان موسی حفظ می شود و همچنین موسی در خانواده فرعون بزرگ می شود و ابهت خانواده فرعون برای او از بین می رود. بنی اسرائیل مظلوم و ضعیف و توسری خور بار آمده بودند. خدا موسی را در مقابل چشمان فرعون بزرگ می کند. بدون این که فرعون چیزی متوجه شود. خدا دشمن فرعون را در چند قدمی فرعون پرورش می دهد. زنان شیرده زیادی برای شیر دادن بچه آورده میشود ،

اما موسی هیچکدام را قبول نمی کند. خواهر موسی پیشنهاد مادر موسی را می دهد. به این ترتیب موسی به آغوش مادرش برگردانده میشود. خدا قادر مطلق است. خدا از بالا همه چیز را می بیند. در بحرانی ترین حالات ، نجات دهنده است. مشکل ترین کارها را براحتی حل می کند. ما انسانها اگر بخواهیم مشکلی را حل کنیم ، باید مراحل زیادی را طی کنیم و از افراد زیادی بخواهیم تا مشکل حل شود. اما خدا برای حل مشکلات با کسی مشورت نمی کند. خدا راه حلها را جاری می کند. وقتی خدا بخواهد همه چیز جور میشود.

خدا به مادر موسی دستور داده بود که موسی را در دریاچه بینداز و نترس . خدا به مادر موسی وعده داده بود که موسی را به او بر میگرداند. موسی از آغوش مادرش جدا میشود و طی مدت کمتر از یکروز به آغوش مادرش برگردانده میشود. خدا موسی را به آغوش مادر برگرداند. خدا برخلاف وعده هایش عمل نمی کند.

۱۹	چرا دعاهاي انسان معمولا در لحظات آخر مستجاب مي شود

زیرا انسان در طول زندگی از طریق واسطه ها طلب کمک می کند ، اما

همینکه مشکلش جدی شد ، خودش شخصا متوجه می شود که فقط خدا همه کاره است ، خودش شخصا متوجه می شود که فقط خدا صدای همه را می شنود ، خودش شخصا متوجه می شود که فقط خدا همه را میبیند ؛ دراین حالت خالصانه خدا را میخواند و دراین حالت است که خدا دعایش را مستجاب می کند ، همین خالصانه خواندن باعث اجابت دعای او می شود. جالب این است که با این تجربه ، چنین انسانی بعد از نجات یافتن ، دوباره به سراغ همان عادت اولی میرود. وا اسفا**!!!** خدای مهربان توانا می فرماید : ادعونی استجب لکم ، اما چرا دعاهای خیلی ها مستجاب نمی شود ؟ زیرا خالصا برای خدا نیست. اگر دعا خالص باشه ، طبق وعده خدا حتما برآورده می شود (ادعونی استجب لکم).

۲۰ مشروبات الکلي و مواد مخدر

کسانی که مشروب می نوشند ، برای خوش مزه بودن آن نمی نوشند بلکه برای بیخیال کردن آنان استفاده می کنند. در حالی که مواد سکر آور به هیچ عنوان آرامش فکر را نمی آورد. کسانی که الکل مصرف می کنند ، فقط فکر می کنند که مشکلاتشان حل شده است . اگر مشکلاتشان حل شده بود ، دوباره مصرف نمی کردند. افراد مشروبی مشروب مصرف می

کنند. زیرا در حرف خویش مانده اند. خودشان به دروغ باور کرده اند که مشروب آرامش آور است. آنان یک دروغ بزرگ را در خود پرورش می دهند.
بعضی از مردم می گویند که الکل برای درمان روحی مفید است. روح یک چیز نادیدنی است. درمان یک چیز نادیدنی باید خود یک چیز نادیدنی باشد. درمان مشکل روحی باید روحی باشد. درمان مشکل روحی پرستش خدای یکتاست.

۲۱ مواظب آرزوهای خویش باشید

مواظب حسادتهای خویش باشید

روزی قارون همراه با امکانات و اموال فراوان به میان مردم آمد. کسانی که زندگی پست این دنیا را انتخاب کرده بودند ، گفتند : " ای کاش ما هم چنین امکانات و اموالی داشتیم. ای کاش ما هم صاحب چنین زیورآلات و چنین اسبهایی بودیم. واقعا قارون فرد خوشبختی است. او بهترین امکانات را دارد. به این می گویند زندگی "
بعد از مدتی قارون به همراه زیورآلاتش در زمین فرورفت و نابود شد.

اموالش نتوانست او را نجات دهد. خدمه او نتوانستند برای او کاری کنند. زیرا مال دنیا در مقابل قدرت خدا هیچ است. بعد از این حادثه کسانی که چند روز پیش به مال و اموال قارون حسرت می بردند و آرزوی داشتن آن را داشتند ، بعد از دیدن این حادثه تنبیه شدند و توبه کردند. خدا به هرکس هر اندازه که بخواهد می دهد. خدا می داند که به هر کسی چه اندازه مال و منال بدهد. خدا به تمام افکار داخلی بندگانش آگاه است. او می داند که برای هرکسی چه اندازه ای از مال و امکانات دنیا مقدر کند. هر آرزویی مجاز نیست. زیرا آرزوهای این چنینی مخرب است. کانون خانواده ها را از هم می پاشد. زن و شوهری را می شناسم که زندگیشان به همین دلیل از هم پاشید. این زن و شوهر هر چیزی بالاتر از خویش می دیدند ، در حسرت آن چند جمله ای می گفتند. مثلا همسایه آنها مدل ماشینش بالاتر بود ، در حسرت داشتن آن به سر می بردند. این زن و شوهر زندگی فانی این دنیا را انتخاب کرده بودند. آنها هیچوقت از زندگی لذت نبردند. آنها همیشه در آرزوهای خویش به سر می بردند. به همین جهت بعد از مدتی زندگی آنها از هم پاشید. انسان باید به آنچه که خدا به او داده است قانع باشد و در حسرت داشته های دیگران ، عمر خویش را تلف نکند.

[۲۸:۷۹]
روزی، او با زینت های فراوان به میان قومش آمد. کسانی که زندگی این دنیا را ترجیح می دادند، گفتند: "آه، ای کاش ما آنچه را که قارون به دست آورده است، می داشتیم. واقعاً که او خیلی خوشبخت است"

[۲۸:۸۰]
و اما کسانی که دانش به آنها عطا شده بود، گفتند: "وای بر شما، پاداش خدا برای کسانی که ایمان دارند و زندگی پرهیزکارانه ای را در پیش می گیرند، به مراتب بهتر است." هیچ کس به این مرحله نمی رسد، مگر کسی که ثابت قدم بماند

[۲۸:۸۱]
سپس ما موجب شدیم تا زمین او و قصرش را ببلعد. هیچ سپاهی نمی توانست در مقابل خدا به او کمک کند؛ مقدر نبود که او پیروز شود.

[۲۸:۸۲]
کسانی که روز پیش به او حسرت می بردند، گفتند: "اکنون می فهمیم که فقط خداست که به هر یک از بندگانش که برگزیند، روزی می دهد و یا دریغ می دارد. اگر به خاطر موهبت خدا نسبت به ما نبود، او باعث می شد که زمین ما را هم ببلعد. حالا می فهمیم که کافران هرگز موفق نمی

شوند."

[۲۸:۸۳]

ما سرای آخرت را به کسانی اختصاص می دهیم که در زمین در پی مقام و فساد نیستند. پیروزی نهایی از آن پرهیزکاران است.

۲۲ بی تفاوت بودن

یکی از علتهایی که انسانها نمی توانند از دست گناه خلاص شوند ، دروغ گویی درونی است. نسبت به گناهانی که می بینید بی تفاوت نباشید. همیشه حق را بگویید. همیشه راست را بگویید، حتی اگر به ضررتان باشد. اگر نسبت به محیط خویش بی تفاوت باشید، دورویی در درون شما رشد خواهد کرد و در نتیجه حتی نمی توانید از دست گناهان کوچک نجات یابید. نمی توانید از گناهان خویش توبه کنید. راست گویی در همه حال پیش نیاز توبه است. کسی را می شناسم که در محیط کارش هیچوقت نماز نمی خواند. او در محیط کارش هم رنگ سایرین است. نسبت به گناهانی که اطرافیان انجام می دهند، بی تفاوت است. حداقل می توان حقیقت را گفت. حداقل می توان محیط گناه را ترک کرد. حداقل می توان در حین

انجام گناه ، محیط را ترک کرد.

[۳۹:۳۳] اما کسانی که حقیقت را رواج می دهند و به آن ایمان دارند، پرهیزکار هستند.

[۳۳:۸]پس از آن، او مطمئناً از راستگویاندربارهٔ راستگویی شان سئوال خواهد کرد و برای کافران (به این حقیقت قرآنی) عذابی دردناک آماده کرده است.

[۳۳:۲۴]خدا مطمئناً پاداش راستگویان را به خاطر راستگویی شان خواهد داد و منافقان را اگر بخواهد یا تنبیه می کند، یا آنها را مورد بخشش قرار می دهد. خداست عفوکننده، مهربان ترین.

۲۳ وظیفه مادرزادي

در روز قیامت هیچ انسانی نمی تواند بگوید که من نمی دانستم خدا یکی است. در آن روز کسی نمی تواند بگوید که من تابع دین پدرانم بودم. در آن روز کسی نمی تواند بگوید که خدا برای ما رسول نفرستاده است.

زیرا خدا قبل از خلقت با همه فرزندان آدم تسویه حساب کرده است. همه مردم باید تا آخر لحظات زندگی به خدای یکتا ایمان آورند. حتی اگر رسولی برای آنها فرستاده نشود.

[۷:۱۷۲] به یاد آور که پروردگارت تمام نواده های آدم را احضار کرد و آنها را بر خودشان شاهد گرفت: "آیا من پروردگار شما نیستم؟" همه گفتند: "بله. ما شهادت می دهیم." بنابراین، شما روز رستاخیز نمی توانید بگویید: "ما از این اطلاع نداشتیم."

[۷:۱۷۳] و نمی توانید بگویید: "این والدینمان بودند که بت پرست بودند و ما فقط گام های آنها را دنبال کردیم. آیا ما را به خاطر آنچه دیگران بدعت نهادند، تنبیه خواهی کرد؟"

جوامعی که برای آنها رسول فرستاده نشده است ، باز هم موظفند که به خدا یکتای ایمان آورند. خدا با همه مردم اتمام حجت کرده است و حداقل یک مورد را از همه می خواهد. آن یک مورد پذیرش خدای یکتاست.

۲۴ وضعیت جهنم

بین جهنمیان ذره ای دوستی و رحم وجود ندارد. کسانی که وارد جهنم میشوند در آنجا دشمن همدیگر خواهند شد و همدیگر را لعنت می کنند.
عده ای از مردم فکر می کنند که در جهنم با افراد دیگر جهنم دوست خواهند شد و به این طریق وقت خویش را سپری می کنند. آنها نمی دانند که در جهنم هیچگونه دوستی و محبتی وجود ندارد. در جهنم حتی به مدت یک دقیقه هم آرامش اعصاب وجود ندارد. در جهنم هر فردی بغل دستی اش را لعنت و نفرین می کند. رحم و محبتی وجود نخواهد داشت.

[۷:۳۸] او خواهد گفت: "همراه با امت‌های پیشین از جن ها و انسان ها وارد دوزخ شوید." هرگاه گروهی وارد شوند، گروه اجدادی خود را لعنت خواهند کرد. هنگامی که همگی وارد شوند، گروه جدیددربارهٔ گروه قبلی

خواهد گفت: "پروردگارا، اینان همان کسانی هستند که ما را گمراه کردند. عذاب دوزخ را برایشان دو برابر کن." او خواهد گفت: "برای هر کدام دو برابر است، ولی شما نمی دانید."

اگر شما در این دنیا دلگیر شوید، می توانید با مناجات با خدا به خود آرامش دهید. اگر شما در این جهان افسرده شوید ، می توانید با قدم زدن در هوای آزاد افسردگی خویش را کاهش دهید. اما در جهنم نمی توانید با خدا مناجات کنید. حتی نمی توانید با فرد کناری خویش درددل کنید.

[۸۳:۱۵] درواقع، در آن روز، از پروردگارشان جدا خواهند بود.

جهنم بدبختی بزرگی است. خودت را از جهنم نجات بده. به همین خاطر خدا میفرماید که قسمتی از سوخت جهنم، مردم خواهند بود. یعنی جهنمیان برای همدیگر عذاب هستند. جهنمیان مایه آرامش همدیگر نیستند، بلکه لحظه به لحظه بر عذاب همدیگر می افزایند. به جز لعن و نفرین و دشنام و حرفهای نا امید کننده چیز دیگری از آنان شنیده نمی شود.

[۶۶:۶] ای کسانی که ایمان آورده اید،خود و خانوادهٔ خود را از آتش دوزخی که سوخت آن مردم و سنگ هاست، حفظ کنید. نگهبانان آن فرشتگان سخت گیر و نیرومندی هستند که هرگز از خدا نافرمانی نمی کنند؛ آنچه را که به آنها فرمان داده شود، اجرا می کنند.

۲۵ خدا انسان را ساخت، حالا انسان مي خواهد خدا بسازد

به نام خدا وقتی انسان در مقابل خدا شورش کند، سعی می کند خدا را مطابق خواسته های خویش درآورد. انسان عصیانگر میخواهد خدا را تحت کنترل خویش درآورد. در واقعیت باید انسان تحت فرمان و کنترل خدا باشد. اما با دخالت شیطان انسان سعی می کند خدا را زمینی کند و خدا را تحت کنترل خویش درآورد. به این طریق انسان ، خدایی با خصوصیاتی دیگر می سازد، قدرتها و صفاتی که فقط مخصوص خداست

به موجودات دیگر داده می شود. برای انسانهای دیگر صفاتی خدایی تعریف می کند و به این طریق بت ساخته می شود. خدا انسان را ساخته است. اما وقتی انسان بخواهد خدا را طبق امیال خویش بسازد، در این حالت بت ساخته است. یکی از صفات مهم خدا استجابت دعاهاست. اما شیطان این صفت خدا را به انسانهای دیگر داده است. زیارتگاهای مختلفی به اسم شفاعت در اقصا نقاط جهان ساخته شده است. انسانها در این زیارتگاهها به دنبال خدا می گردند. این یعنی برای خود بت ساختن. انسان با تمایلات شیطانی می خواهد خدا را طبق میل خویش تعریف کند، در نتیجه از طریق مخلوقات دیگر خدا را می پرستد. [۷:۱۳۸] ما بنی اسراییل را از دریا گذراندیم. هنگامی که از کنار مردمی که در حال پرستش مجسمه ها بودند، گذشتند، گفتند: "ای موسی، برای ما خدایی مانند خدایان آنها بساز." او گفت: "واقعاً شما مردمی نادان هستید. [۷:۱۳۹] "این مردم مرتکب کفر می شوند، از این رو آنچه انجام می دهند برای آنها مصیبت به بار می آورد.

۲۶ ما تا این حد داریم اشتباه مي کنیم

فرض کنید که فردی به شما پیشنهاد دیدن فیلمی را میدهد. این فیلم طبق

خواسته و میل شما تهیه میشود. اما آن فرد در عوض نمایش فیلم، تمام زندگی شما را می گیرد. آیا یک فیلم یک ساعته ارزش از دست دادن تمام زندگی را دارد؟ فردی که چنین پیشنهادی را به شما می دهد، شیطان است. شیطان در عوض نمایش چند خوشی ناچیز، زندگی جاودان در بهشت را از شما می گیرد.

[۳۰:۵۵] ویوم تقوم الساعه یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعه کذلک کانوا یوفکون

[۳۰:۵۵] در آن روز هنگامی که آن ساعت فرا رسد، مجرمان قسم خواهند خورد که (در این دنیا) فقط یک ساعت بودند. آنها تا این حد اشتباه می کردند.

۲۷ شرايط اقتصادي ايران

در کشور آلمان در جنگ جهانی دوم شرایط اقتصادی سختی پیش آمده بود. مردم که وارد رستوران می شدند و غذا سفارش می دادند، فورا پول غذای سفارشی را می دادند ، زیرا می ترسیدند که تا پایان خوردن غذا قیمت آن گران شود. چنین شرایط سختی برای مردم پیش آمده بود. عدم ثبات قیمتها ، گرانی لحظه به لحظه زندگی را بر مردم سخت کرده بود.
چنین شرایطی در حال حاضر در خیلی از کشورهای دنیا وجود دارد. هر کسی خدا را فراموش کند و از یاد خدا سرباز زند ، خدا شرایط سختی را برای او فراهم می آورد. مردم آلمان در توهم نژادپرستی به سر می بردند. خدا را از یاد برده بودند، در نتیجه خدا شرایط سختی را برای آنها فراهم آورد.

[۲۰:۱۲۴]
ومن اعرض عن ذکری فان له معیشتا ضنکا و نحشره یوم القیمه اعمی
و اما کسی که پیام مرا نادیده بگیرد، زندگی فلاکت باری خواهد داشت و روز رستاخیز، او را نابینا برمی انگیزیم."

۲۸ خدا از کسي خواهش نمي کند

بزرگترین بدبختی ما این است که نمی دانیم چرا خدا بر فقط خواندن خودش در دعاها اصرار دارد. بعضی دستورات بسیار ساده و قطعی اند، اما نادیده گرفته میشوند. بعضی دستورات در عین سادگی و مهم بودن ، برعکس عمل میشوند. فرض کنید یکی به شما می گوید که از این غذا نخورید ، اما شما دقیقا از آن میخورید و در عین حال ادعا دارید که دستور او را اجرا کرده اید. خدا از کسی خواهش نمی کند که او را بخواند. این دستور برای نجات خودمان است. این یک آزمایش است. این یک انتخاب است. بعضی از مردم در عین این که می دانند ، کاری زشت است ، اما آن را انجام می دهند ، انگار یک نیروی ماورایی آنان را وادار می کند. این نیروی ماوایی از طریق تطمیع و لذتهای زودگذر آنان را تشویق به انجام آن می کند. از آنجا که هدایت دست خداست، کسانی که شایستگی بهشت را ندارند ، موفق به درک موضوعات ساده نمی شوند. این خداست که همه چیز را تحت کنترل خویش دارد. خدا هدایت افراد را بر عهده دارد. خدا همه چیز را کنترل می کند.

۲۹ یاد خدا

برای رهایی از دست شیطان ، ابتدا باید بدانیم که هدف شیطان چیست. شیطان می خواهد که انسان را وادار به نافرمانی خدا کند ، او می خواهد که انسان خدا را فراموش کند، تا که او را با خود وارد جهنم کند. این هدف اصلی شیطان است. شیطان خود خدا را فراموش کرد و در نتیجه نافرمانی خدا را کرد و بر همین اساس می خواهد انسان را به همین کار وادار کند. وقتی که هدف شیطان شناسایی شد ، باید راهکارهایی برای جلوگیری از حمله او در نظر گرفت. ما باید کاری کنیم که هیچوقت خدا را فراموش نکنیم. نمازهای پنجگانه یکی از مهمترین روشهاست برای مقابله با شیطان. در همه حال باید خدا را در نظر داشته باشیم. در حین رانندگی ، در حین وزنه برداری ، در حین تفریح ، در حین شادی ، در حین عروسی ، در حین کار باید خدا را بیاد آورد. یکی از بزرگترین حربه های شیطان این است که در این احوالات کسی به جز خدا را یاد کنید. شیطان یاد کردن غیر خدا را در نظر افراد زیبا و لذت بخش جلوه می دهد. یاد خدا مثل شاه کلید است. نفس ما طوری طراحی شده است که با یاد خدا باز می شود، فقط با یاد خدا به خواسته هایش می رسد ، فقط با یاد خدا آرامش می یابد. یاد کردن مسیح ، محمد ، علی ، فاطمه ، ابوالفضل در کارهای روزمره ، از حقه های شیطان است، تا که یاد خدا

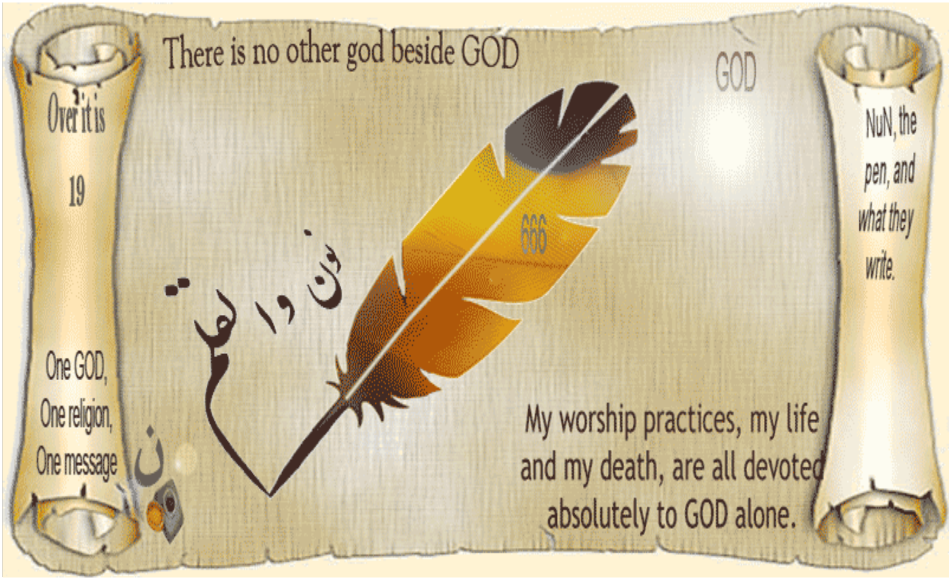
فراموش شود. شما گاو صندوق را با هر کلیدی نمی توانید باز کنید. باید کلید مخصوص آن را داشته باشید. یاد خدا همان کلید مخصوص است. یاد سایرین مثل کلیدهای دیگر است که مشکلی را حل نمی کند. یاد کردن ابوالفضل در کارهای روزمره واقعا مشکلی را حل نمی کند و اصولا بیفایده است.

۳۰ جدي بگيريد

مطالبی که در این وبلاگ نوشته میشود به سادگی از آن رد نشوید. من با این مطالب زندگی می کنم. اینها مطالبی است که تمام وجوه زندگی من را تحت شعاع خود قرار داده است. مطالب خیلی ساده است. به خاطر سادگی آن را طرد نکنید. پیامها خیلی ساده اند. تمام مطالب براساس و محوریت "فقط خدا" می چرخد. اینها مطالبی است که عملا و موشکافانه از زندگی خودم و زندگی اطرافیان گرفته شده است. در دعاهای خویش فقط خدا را بخوانید. این تنها راه و کلید رستگاری شماست. هر بار که از جا بلند میشوید نگویید "یاعلی". پشت ماشینهای خویش ننویسید "بیمه ابوالفضل". فقط خدا صدای شما را می شنود. فقط خدا می تواند چیزی را بیمه کند. نگویید امام رضا ضامن آهو است. این شرک محض است. قبل

از این که دیر شود ، از این حرفها دست بردارید.
معمولا آدم میتواند فقط به یک نفر فکر کند. آدمی فقط می تواند محبت یک نفر را در دل خویش نگه دارد. خدا برای هیچکس دو قلب قرار نداده است. بیایید از تجربیات خویش بگوییم. یکی از وزنه برداران به نام حسین رضا زاده ، شعارش "ابوالفضل" بود. در میان وزنه برداران ، این شعار مختص اوست. در اکثر مسابقات او از نام ابوالفضل استفاده می کرد. همین خود ثابت می کند که آدمی فطرتا فقط می تواند محبت یک نفر ماوراء الطبیعه را در دل خویش جای دهد. رضازاده به ندرت از نام محمد و علی و حسین استفاده میکند. زیرا او فطرتا و ذاتا تمایل به یک قدیس دارد. بعضی از ایرانیان حسین بن علی را انتخاب کرده اند.
فقط یک خدا و حتی فقط یک بت در نهاد ما انسانها گذاشته شده است.
انسان فقط می تواند به یک موجود ماوراء الطبیعه تمایل نشان دهد. این تجربتا ثابت شده است. چرا آن موجود تک خدا نباشد. چرا حسین رضا زاده در حین وزنه برداشتن نباید به جای نام ابوالفضل از نام خدا استفاده کند!
بیایید از تجربیات روزانه خویش بگوییم . حسن نصرالله دیروز در مورد توهین به پیامبر محمد حرف می زد. او گفت که چرا به پیامبر محمد جد امام حسین توهین شده است؟ همانطور که می بینید حسن نصرالله امام

حسین را به عنوان بت خویش برگزیده است. او وقتی که از پیامبر محمد حرف میزد ، فورا عبارت جد امام حسین را هم به آن اضافه کرد. انگار که تمام دنیا پیامبر محمد را با نام امام حسین می شناسند. انسانها فطرتا فقط یک بت انتخاب می کنند. اگر بت دیگری انتخاب هم بکنند ، فورا آن را به بت اصلی متصل می کنند. خدا از کسی خواهش نمی کند که یکتاپرست شود. زیرا خدا خداست و نهاد آدمیان را کاملا می شناسد. متاسفانه اکثریت مردم وارد جهنم میشوند. خدا یکی است. محمد و حسین هم برای خواندن فقط خدا تلاش کردند. این نکته خیلی مهم است. تنها چیزی که شما باید از محمد و سایر مقدسین یاد بگیرید ، خواندن فقط خداست، محوریت قراردادن فقط خداست.


There is no other god beside GOD
GOD
Over it is
19
One GOD,
One religion,
One message
ن
نون والقلم
666
NuN, the pen, and what they write.
My worship practices, my life
and my death, are all devoted
absolutely to GOD alone.